

ماهنامه تحلیلی انرژی (۲)
دوره یازدهم
(چشم‌انداز بازار نفت و گاز جهان در سال جاری
و پیش‌بینی‌ها برای سال‌های آتی)

معاونت پژوهش‌های تولیدی و زیربنایی
دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰
شماره مسلسل: ۱۷۲۴۹
آبان‌ماه ۱۳۹۹

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱ میانگین قیمت فوب خلیج فارس پنج فرآورده اصلی نفتی در ژوئن ۲۰۲۰..... ۱
- ۱ خلاصه مدیریتی ۱
- ۱.۱. درصد بازار جهانی نفت در ماه ژوئن ۲۰۲۰..... ۲
۲. بررسی و ارزیابی میزان پایبندی تولیدکنندگان نفت به توافق اوپک پلاس ۶
۳. رویکردهای اخیر روسیه برای افزایش صادرات گاز به چین (خط لوله قدرت سبیری) ۱۰
۴. کاهش درآمدهای هیدروکربوری قطر در سال جاری؛ اقدامات و خطمشی‌های این کشور برای رفع کسری بودجه (با تأکید بر میادین مشترک) ۱۸
۲۴. منابع و مآخذ ۲۴



ماهنامه تحلیلی انرژی (۲)

دوره یازدهم

(چشم‌انداز بازار نفت و گاز جهان در سال جاری و

پیش‌بینی‌ها برای سال‌های آتی)

میانگین قیمت فوب خلیج فارس پنج فرآورده اصلی نفتی در ژوئن ۲۰۲۰



نفت کوره (۱۸۰)

۲۲۹/۸۵

(دلار به ازای هر

تن متریک)



نفتا

۳۵۶/۴۵

(دلار به ازای هر

تن متریک)



نفت‌گاز

۴۶/۴۱

(دلار به‌ازای هر

بشکه)



سوخت جت

۳۹/۹۷

(دلار به‌ازای هر

بشکه)



بنزین سوپر

۴۳/۴

(دلار به‌ازای هر

بشکه)

مأخذ: امور بین‌الملل شرکت ملی نفت.

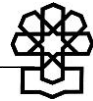
خلاصه مدیریتی

- طی ماه ژوئن متوسط قیمت نفت برنت با ۲۵/۸ درصد افزایش (۸/۳۶ دلار) به‌طور متوسط به بشکه‌ای ۴۰/۷۷ دلار بالغ گردید و همین‌طور نیز متوسط نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز با ۹/۷۹ دلار افزایش به بشکه‌ای ۳۸/۳۱ دلار رسید.

- با توجه به پیش‌بینی رشد اقتصادی ۳/۷- درصد جهان، انتظار می‌رود اکثر قراردادهای عظیم نفت و گاز تا پایان سال ۲۰۲۰ به نتیجه نروند.
- پیش‌بینی می‌شود در حالت خوشبینانه و برطرف شدن شیوع کرونا تا پایان سال ۲۰۲۱ رشد اقتصاد جهان به ۴/۷ درصد افزایش یابد.
- اگر توافق اوپک پلاس همچنان ادامه یابد عرضه جهانی نفت تا پایان سال جاری ۷/۱ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. همچنین به دلیل شیوع ویروس کرونا، تقاضای جهانی نفت در فصل دوم ۲۰۲۰ به نسبت سالانه مدت مشابه سال قبل ۱۶/۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت.
- ایران می‌تواند به جای ترکمنستان یکی از عرضه‌کنندگان گاز کشور ثالث به روسیه شود. از این منظر، هرچه روسیه حجم قرارداد گازی بیشتری با چین منعقد کند، نیاز بیشتری به گاز کشور ثالث خواهد داشت و برای ایران فرصتی برای صادرات گاز به روسیه فراهم می‌شود.
- براساس گزارش‌های منتشر شده، با توجه به کاهش قیمت نفت، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ تراز مالی قطر با کسری مواجه شود. این کسری در حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود. از سال ۲۰۱۷ تاکنون اولین بار است که این کشور با کسر بودجه مواجه می‌شود.

۱. رصد بازار جهانی نفت در ماه ژوئن ۲۰۲۰

براساس گزارش بازار نفت اوپک، متوسط قیمت نفت جهان در ماه ژوئن به دلیل کاهش تدریجی عرضه جهانی نفت با افزایش نسبی همراه شد. متوسط ارزش سبد اوپک با ۱۱/۸۸ دلار افزایش به ۳۷/۰۵ دلار به‌ازای هر بشکه رسید. طی ماه ژوئن متوسط قیمت نفت برنت با ۲۵/۸ درصد افزایش (۸/۳۶ دلار) به‌طور متوسط به بشکه‌ای ۴۰/۷۷ دلار بالغ



گردید و همین‌طور نیز متوسط نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز با ۹/۷۹ دلار افزایش به بشکه‌ای ۳۸/۳۱ دلار رسید. این افزایش ناشی از کاهش جهانی مازاد عرضه نفت و علائم مثبت در تحولات بنیادین بازار نفت اعلام شد. همچنین پیش‌بینی شده که در نیمه دوم سال جاری بازار نفت تحت فشار بیشتری واقع خواهد شد، اما به دلیل افزایش تعداد مبتلایان به ویروس کووید - ۱۹ عدم قطعیت‌های بازار بیشتر خواهد بود.

در شرایط کانتانگو^۱ بازار نفت برنت و وست تگزاس اینترمدیت وضعیت سهل‌الوصول‌تری را نسبت به ساختار بازار نفت دوبی (DME عمان) دارد، به طوری که در بازار نفت دوبی شرایط در وضعیت بکورداریشن^۲ قرار دارد.

صندوق‌های پوشش ریسک^۳ و سایر مدیران، همچنان از عوامل ناشی از شیوع کرونا و اثر بالقوه آن بر فعالیت‌های اقتصادی و تقاضای نفت نگرانند. بنابراین، براساس پیش‌بینی‌های موجود، رشد اقتصادی جهان به ۳/۷- درصد کاهش خواهد یافت و از این‌رو انتظار می‌رود که اکثر قراردادهای تا پایان سال ۲۰۲۰ به نتیجه نروند و مجدداً در سال آینده احیا شوند. پیش‌بینی می‌شود در حالت خوشبینانه و برطرف شدن شیوع کرونا تا پایان سال ۲۰۲۱ رشد اقتصاد جهان به ۴/۷ درصد افزایش یابد.

براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی میزان عرضه نفت جهان در ماه ژوئن با

۱. کانتانگو، شرایطی که شرکت‌های بزرگ نفتی به خریداری و ذخیره‌سازی نفت می‌پردازند تا در ماه‌های آتی به قیمت گزاف‌تر نفت را بفروشند و هزینه نگهداری آنها با افزایش قیمت نفت توجیه اقتصادی دارد.

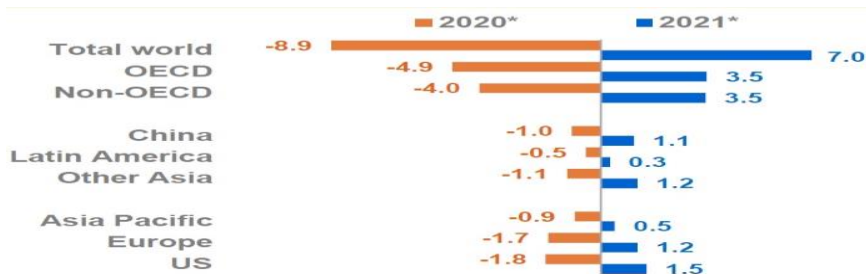
۲. Backwardation، خرید با قراردادهای آتی، قیمت خرید با قراردادهای آتی پایین‌تر از قراردادهای معمولی و تحویل فوری است.

۳. صندوق‌های پوشش ریسک نهادهای مالی (Hedge Fund) از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا مدیریت سرمایه هستند که سرمایه‌گذاران خاصی با سرمایه‌های بسیار بالا را جذب می‌کنند. مدیریت این صندوق‌ها، سرمایه‌های جمع‌آوری شده را در ابزارهای گوناگونی سرمایه‌گذاری می‌کنند و در ازای سود کسب شده، حق مدیریت و پاداش دریافت می‌کنند. مدیران صندوق‌های پوشش ریسک بسیار حرفه‌ای هستند و از تکنیک‌های ریاضی، استراتژی‌های معاملاتی پیشرفته، روش‌های پیچیده و سفته‌بازی جهت تحلیل و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند.

کاهش ۲/۴ میلیون بشکه در روز به پایین‌ترین سطح طی ۹ سال گذشته یعنی معادل روزانه ۸۶/۹ میلیون بشکه در روز تنزل کرد. در پی توافق کاهش عرضه اوپک پلاس و کاهش داوطلبانه عرضه سایر تولیدکنندگان نظیر کانادا و ایالات متحده آمریکا، از ماه آوریل تاکنون ۱۴ میلیون بشکه در روز از عرضه نفت جهان کاسته شده است. اگر توافق اوپک پلاس همچنان ادامه یابد عرضه جهانی نفت تا پایان سال جاری ۷/۱ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. همچنین به دلیل شیوع ویروس کرونا، تقاضای جهانی نفت در فصل دوم ۲۰۲۰ به نسبت سالیانه مدت مشابه سال قبل ۱۶/۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. به دلیل کاهش قیمت نفت در سه ماه گذشته میزان تقاضای ماهیانه نفت چین و هند به ترتیب ۰/۷ و ۱/۱ میلیون بشکه در روز افزایش یافت، اما در کل میزان تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۰ روزانه ۸/۹ میلیون بشکه کاهش خواهد یافت، ولی انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۱ حدود ۷ میلیون بشکه در روز از کاهش تقاضای سال جاری در سال آتی جبران شود. در نمودار ۱ پیش‌بینی رشد تقاضای نفت جهان برای سال جاری و سال آینده به تفکیک مناطق مختلف ارائه شده است.

نمودار ۱. پیش‌بینی تغییرات میزان تقاضای جهانی نفت در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱

(میلیون بشکه در روز)



Note: 2020-2021 = Forecast. Source: OPEC.



همان‌طور که در نمودار ۱ ارائه شد به دلیل افزایش محرک‌های بازار و انتظار کاهش آثار ناشی از کرونا به دنبال کم شدن قرنطینه‌ها برای سال ۲۰۲۱، احتمال احیای تقاضای ۷ میلیون بشکه نفت در روز برای جهان پیش‌بینی شده است. به دنبال مسکوت ماندن پروژه‌های عظیم نفتی در سال جاری، اما انتظار می‌رود با احیای آنها در سال آینده، عرضه نفت غیراوپک در سال ۲۰۲۱ با افزایش ۰/۹۲ میلیون بشکه در روز همراه شود. براساس پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا متوسط قیمت ماهیانه نفت برنت در بازار اسپات (خُرده‌فروشی) در نیمه دوم سال جاری به ۴۱ دلار به‌ازای هر بشکه و این میزان در سال آینده به ۵۰ دلار به‌ازای هر بشکه می‌رسد. همچنین به نظر می‌رسد نرخ افزایش موجودی سوخت‌های مایع در جهان در نیمه نخست سال ۲۰۲۰ معادل ۶/۷ میلیون بشکه در روز و این میزان در نیمه دوم سال به ۳/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و در سال آینده مجدداً این نرخ افزایش موجودی سوخت‌های مایع به ۱/۱ میلیون بشکه در روز تقلیل یابد.

پیش‌بینی شده که به دلیل کاهش متوسط سالیانه تولید نفت خام آمریکا در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ متوسط قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت در بازار اسپات، تا پایان سال ۲۰۲۱ کمتر از ۵۰ دلار به‌ازای هر بشکه باشد. همچنین پیش‌بینی شده که میزان مصرف سوخت مایع در آمریکا طی سال جاری به متوسط ۱۸/۳ میلیون بشکه در روز برسد که ۲/۱ میلیون بشکه در روز کمتر از متوسط مصرف در سال ۲۰۱۹ است. این کاهش مصرف سوخت‌های مایع آمریکا شامل همه انواع فراورده‌هاست. انتظار می‌رود متوسط مصرف سوخت‌های مایع در آمریکا در سال آینده ۱۹/۹ میلیون بشکه در روز باشد.

۲. بررسی و ارزیابی میزان پایبندی تولیدکنندگان نفت به توافق اوپک پلاس

مقدمه

در پی جنگ قیمتی عربستان سعودی و شیوع جهانی ویروس کرونا، قیمت‌های نفت با کاهش بی‌سابقه‌ای مواجه شد. تولیدکنندگان اوپک پلاس مجبور شدند که برای کاهش مازاد عرضه در بازار و جلوگیری از رشد ذخیره‌سازی‌ها، تولید خود را کاهش دهند. نکته مهم در توافقات اخیر اوپک پلاس میزان پایبندی تولیدکنندگان به آن است که در این گزارش میزان پایبندی تولیدکنندگان اوپک به توافق اخیر بررسی شده است.

۱-۲. تحلیل و ارزیابی

در ماه ژانویه ۲۰۲۰ تولید نفت خام اوپک ۲۸/۳۵۴ میلیون بشکه در روز بود که در ماه فوریه ۲۰۲۰ با ۵۴۱ هزار بشکه در روز کاهش به ۲۷/۸۱۳ میلیون بشکه در روز رسید، اما طی ماه مارس و آوریل ۲۰۲۰ روند افزایشی داشت و به‌خصوص در ماه آوریل به‌دلیل جنگ قیمتی عربستان سعودی و روسیه و همین‌طور همراهی کویت و امارات متحده عربی با عربستان سعودی، به ۳۰/۴۹۵ میلیون بشکه در روز رسید که نسبت به ماه مارس ۲۰۲۰ به مقدار ۱/۹۱۷ میلیون بشکه در روز افزایش داشت که تولید عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت به‌ترتیب ۱/۶۹۶، ۰/۳۳۴ و ۰/۲۳۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. جنگ قیمتی عربستان سعودی و روسیه و شیوع جهانی ویروس کرونا که منجر به کاهش بی‌سابقه تقاضای نفت شد، سقوط بی‌سابقه قیمت‌های نفت را به دنبال داشت. از این‌رو تولیدکنندگان عضو توافق اوپک پلاس در ۱۲ آوریل تصمیم گرفتند که تولید خود را از ابتدای می ۲۰۲۰ به مدت دو ماه به مقدار ۹/۷ میلیون بشکه در روز و از اول ژوئیه ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۰ به مقدار ۷/۷ میلیون بشکه در روز و سپس از اول ژانویه ۲۰۲۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۱ به مقدار ۵/۸ میلیون



بشکه در روز کاهش دهند. مبنای این کاهش تولید اکتبر ۲۰۱۸ این کشورها خواهد بود، به‌استثنای روسیه و عربستان که مبنای کاهش تولید آنها سطح تولیدی ۱۱ میلیون بشکه در روز مورد توافق قرار گرفت و از طرف دیگر سه کشور ایران، لیبی و ونزوئلا از توافق مستثنا شدند. تولیدکنندگان عضو اوپک‌پلاس انتظار داشتند که سایر تولیدکنندگان غیرعضو اوپک‌پلاس نظیر آمریکا، کانادا، نروژ و برزیل با این تصمیم همراهی کنند، اما آنها به‌طور رسمی با این تصمیم همراهی نکردند، اگرچه اعلام شده آنها به‌طور غیررسمی همراهی کرده و حدود ۳/۵ تا ۴ میلیون بشکه در روز تولید خود را کاهش خواهند داد. حتی اعلام شد که آژانس بین‌المللی انرژی به اعضا اعلام خواهد کرد که طی دو ماه آینده کشورهای عضو ۲۰۰ میلیون بشکه ذخایر استراتژیک خود را افزایش دهند. با این حال مقدار کاهش تقاضا بسیار فراتر از حجم کاهش عرضه بود و ذخیره‌سازی‌های تجاری نفت با سرعت بالایی افزایش می‌یافت. در جلسه اوپک‌پلاس که در ۶ ژوئن ۲۰۲۰ تشکیل شد، کاهش ۹/۷ میلیون بشکه برای یک ماه دیگر یعنی تا پایان ماه ژوئیه تمدید شد. به‌طور کلی توافق اوپک‌پلاس و پایبندی بالای تولیدکنندگان به آن، کاهش تولید داوطلبانه و اجباری برخی تولیدکنندگان غیرعضو توافق و رفع قرنطینه‌های اعمال شده در اثر شیوع ویروس کرونا در برخی از کشورهای بزرگ مصرف‌کننده موجب شد که قیمت‌های نفت افزایش یابد و به بیش از ۴۰ دلار در بشکه برسد.

۲-۲. پایبندی اعضای اوپک به توافق

براساس توافق، ۱۰ کشور عضو اوپک متعهد به کاهش تولید شدند و سه کشور ایران، لیبی و ونزوئلا از توافق مستثنا شدند و این ۱۰ کشور باید در ماه می ۲۰۲۰ تولید خود را ۶/۰۳۴ میلیون بشکه در روز کاهش می‌دادند، اما تولید خود را فقط ۴/۹۷۱ میلیون بشکه در روز کاهش دادند. سه کشور عراق، نیجریه و آنگولا بالاترین سطح تخلف را داشتند و جمعاً این

سه کشور ۹۰۵ هزار بشکه در روز بیش از سقف تولید تعیین شده تولید کردند. این در حالی است که عربستان سعودی تولید ۲۱ هزار بشکه در روز کمتر از سقف تولید تعیین شده تولید داشت.

به‌طور کلی طی ماه می ۲۰۲۰، کشورهای اوپکی عضو توافق (۱۰ کشور) ۱۰۶۳ هزار بشکه در روز بیش از سطح تولید تعیین شده تولید کردند، اما طی ماه ژوئن حجم عدم پایبندی به توافق میان تولیدکنندگان اوپک کاهش یافته است و ۶۳۷ هزار بشکه کمتر از سطح تولید توافق شده تولید داشته‌اند. البته این به دلیل کاهش تولید داوطلبانه عربستان سعودی و امارات بوده در حالی که سایر کشورها تخلف داشته‌اند اگرچه حجم آن نسبت به ماه می کاهش یافته است. بیشترین حجم تخلف را طی ماه می و ژوئن، کشور عراق داشته است. این کشور طی ماه می و ژوئن به ترتیب ۵۶۷ و ۱۱۸ هزار بشکه در روز تخلف داشته و بعد از این کشور، نیجریه به ترتیب با حجم تخلف ۲۳۲ و ۱۴۴ در رتبه دوم قرار داشته است. طی ماه ژوئن سه کشور ایران، لیبی و ونزوئلا از توافق اوپک پلاس استثناء بودند، اگرچه تولید ایران و لیبی در سه ماه گذشته تغییر قابل توجهی نداشته، اما تولید ونزوئلا روند کاهشی داشته و از ۶۲۴ هزار بشکه در روز در ماه آوریل ۲۰۲۰ به ۳۵۶ هزار بشکه در روز در ماه ژوئن رسیده است.

۳-۲. کاهش داوطلبانه عربستان سعودی، کویت و امارات

کشورهای عربستان سعودی، امارات و کویت اعلام کردند که علاوه بر تعهد خود در توافق اوپک پلاس ۱/۱۸ میلیون بشکه دیگر را نیز به‌طور داوطلبانه خواهند داد که سهم عربستان یک میلیون بشکه، امارات ۱۰۰ هزار بشکه و کویت ۸۰ هزار بشکه در روز خواهد بود. از این رو این سه کشور در ماه ژوئن ۲۰۲۰ تولید خود را فراتر از توافق کاهش دادند. عربستان ۹۴۳



هزار بشکه در روز کمتر از سقف تولید ۸/۵ میلیون بشکه در روز خود تولید کرده و دو کشور امارات و کویت نیز به ترتیب ۱۰۶ و ۲۴ هزار بشکه در روز کمتر از سقف تولید توافق شده خود تولید کرده‌اند. در اوایل ماه ژوئیه شاهزاده عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی، اعلام کرد که این کاهش داوطلبانه در ماه ژوئیه ادامه نخواهد یافت و با توجه به بهبود تقاضای جهانی برای نفت، این کشور مطابق با سهمیه‌اش تولید می‌کند.

۴-۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تولیدکنندگان عضو توافق اوپک پلاس در ۱۲ آوریل تصمیم گرفتند که از ابتدای ماه می ۲۰۲۰ به مدت دو ماه تولید خود را به مقدار ۹/۷ میلیون بشکه در روز و از اول ژوئیه ۲۰۲۰ تا پایان سال ۲۰۲۰ تولید خود را به مقدار ۷/۷ میلیون بشکه در روز و سپس از اول ژانویه ۲۰۲۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۱ تولید خود را به مقدار ۵/۸ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. در جلسه اوپک پلاس که در ۶ ژوئن ۲۰۲۰ تشکیل شد، کاهش ۹/۷ میلیون بشکه برای یک ماه دیگر یعنی تا پایان ماه ژوئیه تمدید شد. به‌طور کلی توافق اوپک پلاس و پایبندی بالای تولیدکنندگان به آن، کاهش تولید داوطلبانه و اجباری برخی تولیدکنندگان غیرعضو توافق و رفع قرنطینه‌های اعمال شده در اثر شیوع ویروس کرونا در برخی از کشورهای بزرگ مصرف‌کننده موجب شد که قیمت‌های نفت افزایش یابد و به بیش از ۴۰ دلار در بشکه برسد. طی ماه می و ژوئن کشورهای عراق، نیجریه و آنگولا بالاتر از سقف تولید تعیین شده تولید کرده‌اند. این در حالی است که در ماه ژوئن سه کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت کمتر از سقف تولید خود، اما بیشتر از کاهش داوطلبانه خود تولید داشته‌اند.

۳. رویکردهای اخیر روسیه برای افزایش صادرات گاز به چین (خط لوله قدرت سیبری)

۳-۱. طرح موضوع

در ماه می ۲۰۱۴، شرکت گازپروم روسیه و شرکت ملی نفت چین^۱ قرارداد ۳۰ ساله گازی امضا کردند که طی آن سالیانه ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز روسیه از طریق خط لوله‌ای که به نام قدرت سیبری احداث خواهد شد، به چین انتقال یابد. این خط لوله در صورت تکمیل فاز نهایی طول آن ۳۰۰۰ کیلومتر خواهد بود.

در سپتامبر ۲۰۱۴، فاز اول این خط لوله به طول ۲۲۰۰ کیلومتر بین میدان چایاندینسکوی^۲ در جمهوری ساخا (یاکوتا روسیه) و شهر بلاگوووشچنسک^۳ در مرز روسیه و چین توسط شرکت گازپروم، آغاز و تکمیل شد. فاز دوم این پروژه در خاک روسیه به طول ۸۰۰ کیلومتر برای اتصال میدان کویکتینسکوی^۴ به میدان چایاندینسکوی برای تقویت عرضه گاز به این پروژه، در حال ساخت است و انتظار می‌رود که در اواخر سال ۲۰۲۲ تکمیل شود. در نهایت فاز سوم این پروژه برای توسعه ظرفیت انتقالی این خط لوله طراحی شده است که می‌تواند ظرفیت صادرات گاز روسیه را به چین از ۳۸ میلیارد مترمکعب در سال به ۶۱ میلیارد مترمکعب در سال افزایش دهد. به دلیل اهمیت این خط لوله و جزئیات آن، فازهای این خط لوله در شکل زیر نشان داده شده است:

-
1. CNPC
 2. Chayandinskoye
 3. Blagoveshchensk
 4. Kovyktinskoye



شکل ۱ فازهای خط لوله صادرات گاز روسیه به چین



مأخذ: آکسفورد انرژی.

در ۲ دسامبر ۲۰۱۹، فاز اول این خط لوله با عرضه ۵ میلیارد مترمکعب در سال به چین به بهره‌برداری رسید که به تدریج در حال افزایش ظرفیت انتقالی تا سطح قرارداد است. موضوع این گزارش، تحلیل و ارزیابی راهبردی این خط لوله بین دو کشور چین و روسیه و آثار احتمالی این خط لوله بر منافع انرژی ایران است.

۳-۲. تحلیل و ارزیابی

برای بررسی و تحلیل این خط لوله، لازم است پایه‌های کلیدی امنیت انرژی دو کشور چین و روسیه با توجه به تحولات گسترده ساختاری بازار بین‌المللی انرژی مورد بررسی قرار گیرد تا جایگاه همکاری‌های گازی دو کشور مشخص شود. با فهم جایگاه همکاری‌های مشترک طرفین در راهبردهای امنیت انرژی دو کشور، می‌توان به درک کامل‌تری از برنامه‌های اقدام و

دیپلماسی انرژی روسیه و چین در زمینه این خط لوله رسید. به صورت مقدماتی می‌توان بیان کرد که منافع راهبردی امنیت انرژی چین و روسیه در زمینه همکاری‌های گازی به صورت متقاطع به یکدیگر «پیوند راهبردی» خورده است.

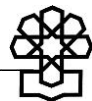
۱-۲-۳. جایگاه بازار چین در دیپلماسی گازی روسیه

هرچند تمایل روسیه به بازارهای گازی شرق به دور اول ریاست جمهوری یلتسین برمی‌گردد، اما مطالعه سند راهبردهای انرژی روسیه از سال ۲۰۱۰ به بعد نشان می‌دهد که رویکرد «چرخش به سوی آسیا»^۱ بعد از دهه اول قرن بیستویکم با توجه به تحولات محوری بازار جهانی انرژی به نقطه تمرکز راهبردی انرژی روسیه بدل شده است. موضوع تغییر بازارهای مصرف انرژی از حوزه آتلانتیک به پاسیفیک که به‌عنوان یک «تغییردهنده بازی» در کنفرانس پول و نفت ۲۰۱۰ لندن مطرح شد که به‌منزله کاهش رشد تقاضا و یا رشد منفی انرژی در کشورهای حوزه اروپا^۲ بود، روسیه را به جد به سمت شرق هدایت کرد.

تجاری شدن منابع نامتعارف گازی و مهم‌تر از آن روند رو به رشد سیطره شیوه تجارت گاز از خط لوله به ال‌ان‌جی، ترس سنتی اروپا از استفاده روسیه از انرژی به‌عنوان سلاح (به‌خصوص با توجه به تحولات روابط گازی ۲۰۰۸ روسیه با گرجستان) سبب شد که روسیه به‌طور جدی‌تری به دنبال بازارهای جدیدی برای راهبرد توسعه گازی خود باشد. خاصه اینکه بعد از «الحاق شبه‌جزیره کریمه اوکراین به روسیه»، تحریم‌های فنی و سرمایه‌گذاری آمریکا سبب شده بود که پروژه‌های تولید ال‌ان‌جی این کشور با تهدید عدم توسعه فنی روبه‌رو شود. در همین دوره بود که پروژه «کریدور جنوبی اروپا» به‌عنوان یکی

1. Pivot to Asia

۲. شایان ذکر است که هرچند اروپا به‌دلیل بالا رفتن موضوع کارایی انرژی، تقاضای گازی خود را کنترل کرده است، اما تقاضای وارداتی این منطقه به‌دلیل روند کاهش تولید کشورهای نظیر هلند و انگلستان و نروژ، روند افزایشی بین ۷۵-۵۰ میلیارد مترمکعب تا سال ۲۰۲۵ دارد.



از گزینه‌های مطرح برای عرضه گاز غیرروسی برای افزایش تقاضای وارداتی اروپا با تمرکز بر گاز حوزه قفقاز و خاورمیانه مطرح شد.

نکته مهم اینکه بعد از فراندوم الحاق شبه‌جزیره کریمه اوکراین در مارس ۲۰۱۴ به روسیه و عدم پذیرش اروپا و آمریکا در این زمینه، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های واکنشی تحریم‌های اروپا و آمریکا علیه ادعای اشغالگری آنها علیه روسیه، تحریم‌های حوزه انرژی بود. کشورهای اروپای شرقی نیز به دلیل ترس امنیتی از روسیه، در تقویت مواضع ضد روسی اتحادیه اروپا و آمریکا نقش بسزایی داشتند. انعقاد قرارداد بین مسکو و پکن برای صادرات گاز روسیه به چین در ماه می ۲۰۱۴ و بعد از الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه و تنش سیاسی متعاقب آن، موفقیتی برای روسیه در یافتن جایگزین برای مقاصد راهبرد توسعه صادرات گاز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای درآمد ارزی روسیه بود. هرچند در سال‌های بعد، روسیه تلاش کرد با تنش‌زدایی با اروپا، بازار گازی این منطقه را به‌لحاظ اهمیت استراتژیک آن از دست ندهد و پروژه‌های نورداستریم-۲ و استریم (که بعداً به ترکیش استریم تغییر کرد) را پیگیری کرد.

نکته دیگر در تحلیل راهبردی خط لوله پاور سیبریا در دیپلماسی انرژی روسیه، علاوه بر یافتن بازار جدید صادراتی با توجه به افزایش تقاضای واردات گازی این کشور، تلاش‌های روسیه برای تقویت روابط راهبردی اقتصادی خود با چین بود که پیش‌تر در چارچوب توافقات و سازمان‌هایی نظیر بریکس و سازمان همکاری شانگهای شکل گرفته بود. با احداث خط لوله گازی پاور سیبریا، این همکاری‌ها تعمیق پیدا می‌کرد. همکاری‌های استراتژیکی که بین دو کشور برای مقابله با رویکردهای یکجانبه‌گرایی آمریکا و بازگردانی نظم بین‌المللی به مدیریت چندقطبی جهانی ضروری به‌نظر می‌رسید.

علاوه بر این روسیه بعد از تحریم‌های اروپا و آمریکا در حوزه اقتصادی به مشارکت فنی و مهم‌تر از آن، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی برای توسعه منابع انرژی خود نیاز داشت. توسعه منابع جدید نفت و گاز در شرق روسیه که ستون فقرات آینده تولید نفت و گاز این کشور را با توجه به افت تولید میادین سیبری غربی و منطقه اورال تشکیل می‌دهند، برای استراتژیست‌های روسیه همکاری فنی و مالی با شرکت‌های چینی را برجسته ساخته است.

در مجموع، بازار انرژی چین و به‌ویژه خط لوله پاور سیبریا به دلایل: **(الف)** تحولات ساختاری بازار انرژی منطقه‌ای و بین‌المللی و ضرورت حرکت به سمت بازارهای آتی دارای رشد تقاضای واردات انرژی، **(ب)** تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از تحریم‌های اروپا و آمریکا علیه روسیه متعاقب حوادث اوکراین و تلاش برای کاهش جایگاه گازی روسیه در اروپا به دلیل ترس امنیت عرضه و **(ج)** تحولات اقتصاد انرژی روسیه و نیاز به سرمایه و فناوری شرکت‌های چینی برای توسعه منابع جدید (گرین فیلدهای سیبری شرقی) برای جبران کاهش تولید میادین در حال تولید فعلی و در نهایت **(د)** پیشران بودن همکاری‌های انرژی بعد از همکاری‌های نظامی برای تقویت همکاری‌های راهبردی روسیه و چین در مقابله نرم با رویکرد یکجانبه‌گرایی آمریکا و بازگردانی نظم جهانی به مدیریت چندقطبی برای روسیه دارای اهمیت استراتژیک است.

۲-۲-۳. جایگاه عرضه گاز روسیه در استراتژی انرژی چین

متناسب با روند رو به رشد واردات انرژی چین بعد از پایان خودبسندگی انرژی چین در سال ۱۹۹۳ و سیاست «حرکت به سمت خارج»، استراتژی انرژی چین، موضوع انرژی را در ذیل موضوعات امنیتی می‌داند. از این رو تلاش می‌کند به جای سیاست «تکا به بازار جهانی



انرژی» به سمت «تضمین امنیت ایمن و پایدار عرضه انرژی وارداتی خود» اقدام نماید. در این راهبرد، علاوه بر متنوع سازی منابع عرضه انرژی وارداتی خود، «اولویت خط لوله» به جای «مسیر دریایی» برای چین دارای اهمیت راهبردی است. این امر به دلیل ترس از اختلال نیروی دریایی آمریکا در دریای چین جنوبی در انتقال انرژی به چین در شرایط بحرانی است. نتیجه این امر آنکه کشورهای اوراسیا، نظیر روسیه، قزاقستان و ترکمنستان به دلیل اتصال جغرافیایی با چین در تأمین عرضه انرژی از طریق خط لوله برای این کشور دارای اولویت راهبردی است. اما در عین حال تلاش می کند که از وابستگی قابل توجه خود به یک عرضه کننده خاص جلوگیری کند. این موضوع برای چینی ها در شکل دهی به هرگونه رابطه انرژی با روسیه با توجه به سابقه روابط روسیه با اروپا جدی تر نیز می باشد. به تعبیر تحلیلگران، چین با اطلاع از سابقه استفاده روسیه از انرژی علیه اروپا، سهم مدیریت شده ای را به عرضه نفت و گاز روسیه در سبد انرژی خود قائل شده است.

نکته دوم در راهبردهای انرژی چین، تأکید بر نفت و گاز^۱ یا نفت و گاز حاصل از سرمایه گذاری شرکت های چینی در بخش بالادستی انرژی کشورهای عرضه کننده است که روسیه، ترکمنستان و قزاقستان در این زمینه استقبال مناسبی از فعالیت شرکت های چینی انجام داده اند. البته در مورد روسیه همان گونه که بیان شد، تحریم های غربی نیز سبب گرایش بیشتر روسیه به سمت شرکت های چینی شده است.

نکته سوم اینکه مطالعه سند راهبردی «ابتکار یک کمربند، یک جاده» نشان می دهد که منطقه اوراسیا برای چین اولویت دارترین منطقه راهبردی برای این ابتکار است. سهم بالای چین در تجارت کشورهای اوراسیا نشان می دهد که خرید انرژی چین از این منطقه سبب

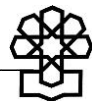
خواهد شد که بسیاری از پروژه‌های زیرساختی این منطقه نیز از سوی شرکت‌های چینی انجام گیرد و در برخی موارد نظیر خرید گاز چین از ترکمنستان، هزینه آن عمدتاً از طریق کالا یا خدمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در این منطقه بازپرداخت می‌شود.

در مجموع باید گفت که هرچند انرژی منطقه اوراسیا به‌ویژه روسیه برای امنیت انرژی چین راهبردی است، اما استراتژیست‌های چینی با مدیریت تنوع منابع عرضه انرژی با این کشورها برخورد کرده و از وابستگی قابل توجه واردات انرژی خود به یک منبع خاص اجتناب می‌کنند. در این روند، واردات سالانه ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز از روسیه از مجموع نزدیک به ۱۵۰ میلیارد مترمکعب واردات سالانه گاز چین نمی‌تواند سبب وابستگی امنیتی به روسیه شود.

علاوه بر موضوعات اقتصادی و امنیتی فوق‌الذکر، چین از نظر امنیتی نیز با روسیه در همکاری مشترک در مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا در عرصه بین‌المللی هم‌راستا بوده و روسیه همچنان منبع نخست دسترسی چین به فناوری‌های نظامی برجسته نظیر سیستم دفاع هوایی، هواپیماهای نسل پنجم و نیز فناوری‌های فضایی است. از این رو، همکاری‌های انرژی با روسیه به‌ویژه در شرایطی که این کشور تحت فشار اقتصادی با اروپا و آمریکا بوده که می‌تواند منجر به تضعیف جایگاه جهانی روسیه گردد، برای دولت‌مردان چینی دارای اهمیت است. هرچند بین چین و روسیه نسبت به نفوذ استراتژیک در منطقه آسیای مرکزی و شرق آسیا، رقابت‌های استراتژیکی نیز وجود دارد.

۳-۳. نتیجه‌گیری؛ تحلیل اثرگذاری روابط گازی روسیه و چین بر منافع انرژی ایران

روابط گازی روسیه و چین از طریق خط لوله پاور سیبری، دو اثر راهبردی بر منافع انرژی ایران دارد:



اثر اول و فوری تر، اینکه با افزایش واردات گازی چین از روسیه تا سطح قرارداد (۳۸ میلیارد مترمکعب در سال) و با توجه به آثار سیاست‌های برنامه «اقتصاد جدید متعارف»^۱ چین که منجر به کاهش نرخ رشد پیش‌بینی شده قبلی در تقاضای واردات گازی این کشور می‌شود، تمرکز واردات گازی چین از حجم قبلی برنامه‌ریزی شده از ترکمنستان کمتر می‌شود. در نتیجه ترکمنستان به دنبال بازارهای جدیدی برای برنامه‌های صادرات گازی خود خواهد بود که دقیقاً به سمت بازارهای هدف ایران نظیر افغانستان، پاکستان و هند و یا از طریق خط لوله احتمالی ترانس کاسپین و آذربایجان به بازار گازی ترکیه حرکت خواهد کرد. در برنامه قبلی چینی‌ها برای واردات گاز از خطوط لوله چهارگانه آسیای مرکزی به قفقاز، سه شاخه آن از ترکمنستان (خطوط A، B و D) و یک شاخه آن از قزاقستان به ازبکستان (خط C) با حجم کلی انتقال ۶۵ میلیارد مترمکعب گاز این منطقه به چین برنامه‌ریزی شده بود که به نظر می‌رسد خط D فعلاً ساخته نخواهد شد و صادرات ترکمنستان به چین به دلیل کاهش اشتیاق چینی‌ها در حد ۲۵-۳۰ میلیارد مترمکعب خواهد ماند. در این شرایط ترکمنستان به فکر بازار جدیدی خواهد بود. یکی از دلایل کاهش اشتیاق چینی‌ها به گاز ترکمنستان، گزینه واردات گاز از روسیه به‌ویژه برای منطقه شمال شرقی خود است که به دلیل مسافت زیاد، واردات از روسیه اقتصادی‌تر از ترکمنستان است. این امر در شرایطی که موضوع صادرات گاز ترکمنستان به ایران دچار تنش حقوقی و توقف شده است، تهدید به‌شمار می‌رود و ترکمنستان به تهدید عرضه منطقه‌ای به مقاصد صادراتی گاز ایران بدل خواهد شد.

اثر دوم اینکه روسیه با توجه به تعهدات جدید صادرات گازی خود به چین (۳۸ میلیارد مترمکعب) و نورد استریم-۲ (۵۵ میلیارد مترمکعب) و ترکیش استریم (۳۱/۵ میلیارد مترمکعب) جمعاً بیش از ۱۲۴ میلیارد مترمکعب تعهد جدید صادراتی علاوه بر حجم صادرات فعلی پذیرفته است که مطابق آمارهای منابع معتبر به دلیل تحریم‌های فنی غربی با احتمال بالا، با افزایش ظرفیت تولید داخلی برای تحقق این میزان تعهد صادراتی روبه‌رو نخواهد شد. به همین دلیل به گاز وارداتی از کشور ثالث نیاز خواهد شد. از این‌رو در سال ۲۰۱۹ مجدداً با کشور ترکمنستان برای ۵/۵ میلیارد مترمکعب واردات گاز تا سال ۲۰۲۴ قرارداد منعقد کرد. این نیازمندی به گاز کشور ثالث در صورت به قدرت رسیدن دموکرات‌ها در ایالات متحده و عزم جدی‌تر آنها به نسبت دولت ترامپ در تحریم‌های اقتصادی روسیه، جدی‌تر هم خواهد شد. در این صورت، ایران می‌تواند به‌جای ترکمنستان یکی از عرضه‌کنندگان گاز کشور ثالث به روسیه شود. از این منظر، هرچه روسیه حجم قرارداد گازی بیشتری با چین منعقد کند، نیاز بیشتری به گاز کشور ثالث خواهد داشت و برای ایران فرصت صادرات گاز به روسیه فراهم می‌گردد.

۴. کاهش درآمدهای هیدروکربوری قطر در سال جاری؛ اقدامات و خط‌مشی‌های

این کشور برای رفع کسری بودجه (با تأکید بر میادین مشترک)

۴-۱. طرح موضوع

کشور قطر در سال جاری میلادی به‌دلیل کاهش شدید قیمت نفت خام و گاز طبیعی کاهش درآمد قابل توجهی خواهد داشت. مهم‌ترین علت کاهش درآمدهای صادراتی این کشور انتشار ویروس کرونا در سطح جهان و کاهش شدید تقاضای نفت و گاز بود. این



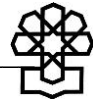
کشور با خروج از سازمان اوپک تمرکز اصلی خود را در افزایش صادرات ال‌ان‌جی قرار داده بود، اما با شرایط ایجاد شده در بازار جهانی نفت با مشکلات زیادی از جمله کسر بودجه مواجه شد که در این گزارش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۴. تحلیل و ارزیابی

سیاست‌های انرژی قطر عمدتاً بر تولید و صادرات گاز طبیعی متمرکز است. هرچند این کشور صنعت پتروشیمی را نیز به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی خود در نظر گرفته است. در سال‌های اخیر قطر بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ال‌ان‌جی در بازار جهانی بوده است. این کشور در سال گذشته از عضویت سازمان اوپک خارج شد و محور اصلی فعالیت‌های هیدروکربوری خود را بر بازار گاز طبیعی متمرکز کرد. قطر تا سال ۲۰۲۷ ظرفیت تولید گاز طبیعی مایع شده (ال‌ان‌جی) را از ۷۷ میلیون تن در سال به ۱۲۶ میلیون تن در سال افزایش خواهد داد. در واقع، طی هفت سال آتی تولید ال‌ان‌جی این کشور ۶۴ درصد رشد خواهد داشت. در این هدفگذاری توسعه میدان گنبد شمالی بخشی از پروژه افزایش ظرفیت تولید ال‌ان‌جی قطر خواهد بود. این میدان گازی با ایران مشترک است. در این برنامه توسعه، حفاری ۸۰ چاه برنامه‌ریزی شده است. قطر این عملیات حفاری را جهت توسعه ظرفیت صادرات گاز و احیای عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده ال‌ان‌جی جهان انجام خواهد داد. چراکه تولیدکنندگان جدید ال‌ان‌جی نظیر استرالیا جایگاه این کشور را در بازار جهانی به خطر انداخته‌اند. وزیر انرژی قطر معتقد است شیوع ویروس کرونا و جنگ قیمت نفت که باعث بی‌ثباتی بازار شده، فرصتی برای بازگشت موقعیت قطر در بازار ال‌ان‌جی ایجاد خواهد کرد. چراکه این شرایط بازار، پروژه‌های ال‌ان‌جی سایر کشورها را به تأخیر خواهد انداخت و در بلندمدت به نفع قطر خواهد بود. اجرای این پروژه توسط قطر متمرکز بر افزایش برداشت گاز از میدان گازی مشترک بین ایران و قطر

است که در ایران پارس جنوبی و در قطر گنبد شمالی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر قطر با خروج از سازمان اوپک تمام توان خود را برای احیای جایگاه خود در بازار گاز گذاشته است. لذا با توجه به زیرساخت‌های موجود صادرات گاز در این کشور، با جدیت بیشتر اجرای پروژه‌های ال‌ان‌جی را دنبال خواهد کرد و نتیجه آن برداشت گاز بیشتر از میدان مشترک با ایران خواهد بود. اما این تلاش کشور قطر با انتشار ویروس کرونا و تأثیر آن بر تقاضای جهانی نفت و گاز با مشکلاتی از جمله کاهش شدید قیمت‌ها مواجه شد.

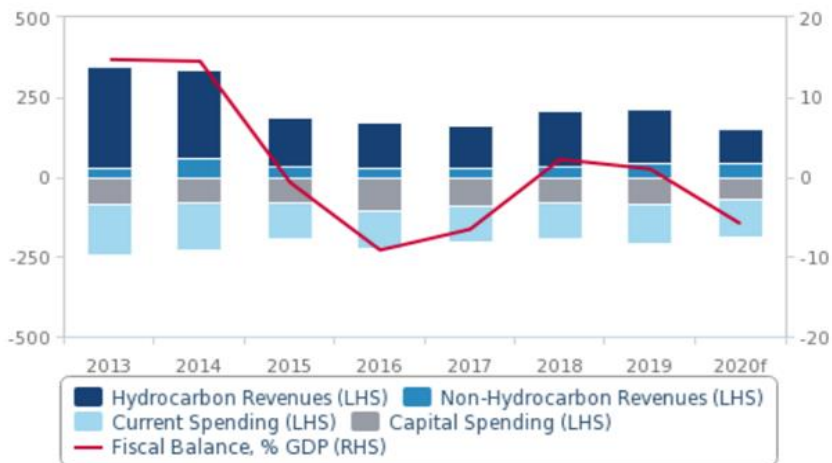
براساس گزارش‌های منتشر شده، با توجه به کاهش قیمت نفت، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ تراز مالی قطر با کسری مواجه شود. این کسری در حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود. از سال ۲۰۱۷ تاکنون اولین بار است که این کشور با کسر بودجه مواجه می‌گردد. درآمدهای هیدروکربوری تقریباً ۸۰ درصد از درآمدهای قطر را تشکیل می‌دهد. براساس برآوردهای انجام شده در نتیجه کاهش قیمت انرژی، درآمدهای هیدروکربوری قطر در سال ۲۰۲۰ در حدود ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین دولت قطر هزینه‌های اصلی به‌ویژه در بخش سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد. هرچند این کاهش نیز پاسخگوی جبران کاهش درآمدها نخواهد بود. در سال ۲۰۲۰ متوسط قیمت نفت خام و گاز طبیعی به‌طور قابل توجهی کمتر از سطح قیمت‌ها در سال ۲۰۱۹ است. در سال ۲۰۱۹ متوسط قیمت ۶۴/۲ دلار در هر بشکه بود، اما برای سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا و کاهش شدید تقاضای نفت، پیش‌بینی شده که متوسط قیمت در سطح ۳۳ دلار در هر بشکه باشد. دولت قطر قیمت هر بشکه نفت را در بودجه سال ۲۰۲۰ به میزان ۵۵ دلار در نظر گرفته است. همچنین به دلیل کاهش تقاضای جهانی، تولید نفت و گاز این کشور در سال ۲۰۲۰ علی‌رغم بهره‌برداری از



میدان گازی برزن^۱ تغییر قابل توجهی در مقایسه با سال ۲۰۱۹ نخواهد داشت. لذا پیش‌بینی می‌شود بخشی از تعهدات آتی این کشور با انتشار اوراق قرضه تأمین مالی شود. البته این کشور برای تأمین کسر بودجه سال ۲۰۲۰ از ذخایر ارزی خود که در حدود ۳۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است نیز استفاده خواهد کرد. (نمودار ۲)

نمودار ۲. جزئیات تراز مالی قطر

(میلیارد ریال قطر)



f = Fitch Solutions forecast. Source: Ministry of Finance, Fitch Solutions

دولت قطر طی چند سال اخیر تلاش کرده که اقتصاد خود را متنوع کند، اما موفق نبوده است. سهم نفت و گاز در اقتصاد این کشور از ۵۲/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت که علت آن متنوع‌سازی درآمدها و اقتصاد نبوده، بلکه

کاهش قیمت نفت و گاز بوده است. رشد اقتصادی قطر از سال‌های قبل و پیش از شیوع ویروس کرونا روند کاهشی داشته است.

افزایش عرضه ال‌ان‌جی به بازار جهانی و کاهش تقاضای آن در سال ۲۰۱۹ ضربه شدیدی به اقتصاد قطر وارد کرده است که آثار آن همچنان پابرجاست و فعالیت اقتصادی این کشور را در بازارهای اصلی آسیا کاهش داده است. روند کاهشی قیمت نفت در ماه‌های اخیر به این معناست که شاخص قیمت صادرات گاز در قراردادهای مرتبط با نفت نیز در حال کاهش است. کاهش قیمت در بازار تک‌محموله در سال ۲۰۱۹، باعث شد که خریداران عمده آسیایی به دنبال قراردادهای بلندمدت مرتبط با نفت باشند. لذا این مسئله سبب شد تا قطر به فکر صادرات بیشتر به غرب و اروپا باشد و جایگزینی برای مشتریان آسیایی خود پیدا کند. آمار منتشر شده نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۹ قطر ۲۳/۵ میلیون تن ال‌ان‌جی به اروپا صادر کرده که از سال ۲۰۱۱ تاکنون بی‌سابقه بوده است.

در سال ۲۰۱۹ درآمد حاصل از صادرات گاز طبیعی و میعانات در حدود ۱۰ درصد کاهش یافت و به ۴۵/۱ میلیارد دلار رسید. البته این رقم هنوز بیش از ۶۰ درصد از کل درآمد صادراتی این کشور محسوب می‌شود. اطلاعات منتشر شده نشان می‌دهد که این روند کاهش درآمد در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۰ تقویت شده است. چراکه کشور کره جنوبی، مهم‌ترین خریدار ال‌ان‌جی قطر، واردات ال‌ان‌جی از این کشور را در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ در حدود ۲۵ درصد کاهش داده است. همچنین کشورهای چین و ژاپن نیز واردات ال‌ان‌جی خود از قطر را در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ کاهش داده‌اند. در همین حال، در اروپا، خریداران دوباره در حال افزایش واردات خود از قطر هستند. آمار واردات دو کشور اسپانیا و انگلیس نشان می‌دهد که هر دو کشور در ماه‌های نخست سال ۲۰۲۰ واردات ال‌ان‌جی خود را در مقایسه با سال‌های گذشته افزایش داده‌اند. با وجود



این، پویایی قطر در تجارت گاز طبیعی کمک چندانی به جبران کاهش قیمت و درآمدهای صادراتی این کشور نکرده است. درآمد صادراتی این کشور به پایین‌ترین سطح از سه‌ماهه سوم سال ۲۰۱۷ رسیده است. به‌نظر می‌رسد گریز از این وضعیت به‌سادگی برای قطر ممکن نخواهد بود و درآمدهای نفت و گاز این کشور در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۰ کاهش بیشتری خواهد داشت. بنابراین قطر برای جبران کسر بودجه خود و تأمین مالی تعهدات آتی مجبور به انتشار اوراق قرضه و استفاده از ذخایر ارزی خود است که این روش نیز تبعات خاص خود را (کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و...) در پی خواهد داشت.

۳-۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به کاهش قیمت نفت، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۰ تراز مالی قطر با کسری مواجه شود. این کسری در حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود که از سال ۲۰۱۷ تاکنون اولین بار است که این کشور با کسر بودجه مواجه می‌شود. درآمدهای هیدروکربوری تقریباً ۸۰ درصد از درآمدهای قطر را تشکیل می‌دهد. براساس برآوردهای انجام شده در نتیجه کاهش قیمت انرژی، درآمدهای هیدروکربوری قطر در سال ۲۰۲۰ در حدود ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین دولت قطر هزینه‌های اصلی به‌ویژه در بخش سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد.

در سال ۲۰۱۹ درآمد حاصل از صادرات گاز طبیعی و میعانات در حدود ۱۰ درصد کاهش یافت. درآمد صادراتی این کشور به پایین‌ترین سطح از سه‌ماهه سوم سال ۲۰۱۷ رسیده است. به‌نظر می‌رسد گریز از این وضعیت به‌سادگی برای قطر ممکن نخواهد بود و درآمدهای نفت و گاز این کشور در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۰ کاهش بیشتری خواهد داشت. این روند کاهش درآمد در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۰ تقویت شده است. چراکه کشورهای

کره جنوبی، چین و ژاپن، مهم‌ترین خریداران ال‌ان‌جی قطر، واردات ال‌ان‌جی از این کشور را در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ در حدود ۲۵ درصد کاهش داده‌اند. قطر تلاش کرده که اقتصاد خود را متنوع کند، اما موفق نبوده است. سهم نفت و گاز در اقتصاد قطر از ۵۲/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت که علت آن متنوع‌سازی درآمدها و اقتصاد نبوده، بلکه کاهش قیمت نفت و گاز بوده است. رشد اقتصادی قطر از سال‌های قبل و پیش از شیوع ویروس کرونا روند کاهشی داشته است. در مجموع به‌نظر می‌رسد قطر برای جبران کسر بودجه خود و تأمین مالی تعهدات آتی مجبور به انتشار اوراق قرضه و استفاده از ذخایر ارزی خود است که این روش نیز تبعات خاص خود را (کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و...) در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

1. Henderson, J. (July 2020). "Quarterly Gas Review: Short and Medium Term Outlook for Gas Markets", The Oxford Institute for Energy Studies. Retrieved from www.oxfordenergy.org
2. Opec, Oil Market Report, July 2020.
3. IEA, Oil market report, April 2020.
4. EIA, Short-Term Energy Outlook, July, 2020.
5. www.reuters.com
6. www.bloomberg.com
7. Weekly Energy, Economic & Geopolitical Outlook Vol. 63. No. 19 08.May.2020.
8. <https://www.fitchsolutions.com>. Qatar To Post Budget Deficit As Hydrocarbon Revenue Halves.



شماره مسلسل: ۱۷۲۴۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه تحلیلی انرژی (۲) دوره یازدهم (چشم‌انداز بازار نفت و گاز جهان در سال جاری و پیش‌بینی‌ها برای سال‌های آتی)

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه انرژی)

تهیه‌کننده: زهرا جعفری

همکاران: گروه کارشناسی مطالعات انرژی

ناظران علمی: امیررضا شاهانی، روح‌الله احمدی

واژه‌های کلیدی:

۱. روسیه
۲. قطر
۳. تقاضای گاز
۴. اوپک پلاس
۵. تحولات بازار نفت
۶. تحولات بازار گاز



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۸/۲۶